

بایسته های تبلیغ

در جامعه تشیع افغانستان

محمد سالم فهیمی*

مفسر

الذین یبلغون رسالات الله ویخشونه ولایخشون احداً الا الله^۱

مقدمه

سیر تحولات فکری در جوامع گوناگون و پیدایش مکاتب اعتقادی و فلسفی و نیز ظهور و افول بسیاری از این مکاتب ما را به یک نتیجه قطعی رهنمون می سازد و آن این که: اولاً اگر مکتبی دارای مبانی عقلی و فکری مستحکم نباشد، محکوم به نابودی است، گرچه تلاش های فراوانی در توسعه و بقاء آن صورت بگیرد. ثانیاً، چنانچه مکتبی در نهایت استحکام و اتقان از لحاظ پایه های فکری و عقلی باشد و آموزه های آن بتواند به بسیاری از احتیاجات بشر پاسخ بگوید، ولی برای چنین مکتبی مبلغین آگاه و پرتلاش و صبور وجود نداشته باشد، باز هم توفیق بقاء و دوام و توسعه را نخواهد داشت.

در این میان تفکر شیعی که از دیرباز به عنوان تفکر ممتاز و پویا مطرح بوده است نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ اگر درست ترویج نشود و ماهیت واقعی مکتب به مردم ابلاغ نگردد، خاصیت الهام بخشی، نهضت پروری و پویایی خود را از دست می دهد.

* فارغ التحصیل دوره کارشناسی

درواقع بالندگی همیشگی یک مکتب به امور ذیل بستگی دارد:

- ۱- استحکام و اتقان در مبانی فکری و اعتقادی.
- ۲- ترویج و ابلاغ آن به توده های اجتماعی آن گونه که هست.
- ۳- انتخاب راهکارهای مناسب و معقول برای ترویج.
- ۴- پایداری و تلاش در جهت ابلاغ پیام.

در مورد اول مکتب تشیع در جایگاه بسیار متعالی قرار دارد و مبانی فکری و اعتقادی آن منشأ و حیانی داشته و از این جهت مشکلات مکاتبی که مولود تفکر بشری است را ندارد بلکه مبانی آن برگرفته از قرآن و سنت پیامبر(ص) است که شامل فعل، قول و تقریر آن حضرت می شود. پیامبر(ص) نیز چیزی از پیش خود نیاورده است، «ماینطق عن الهوی الا وحی یوحی»^۲ اما تأمین و تحصیل سه مورد دیگر بستگی به پیروان مکتب تشیع دارد که بایستی در تحصیل شروط لازم برای ترویج و گسترش مذهب از هیچ تلاشی فرو گذار ننمایند. چنانچه برای به دست آوردن هریک از سه مورد یاد شده اهمال و بستی به خرج دهند، در مقابل تهاجم دشمنان اسلام شکست جبران ناپذیری را متحمل خواهند شد.

گذشته از سه مورد یادشده مورد مهمتری نیز می توان به موارد یاد شده اضافه نمود که عبارت است از ساماندهی تبلیغی و منظم عمل نمودن مبلغین. لازم است همه در یک شبکه تبلیغی بهم پیوسته و با طرح های دراز مدت و ارزیابی های پیاپی فعالیت نمایند و الا در شرایط کنونی که تمام فعالیت های ضد دینی به صورت منظم و پیوسته و به شکل بسیار پیچیده ای کانالیزه شده است، حرکات نامنظم دینی و تبلیغات پراکنده مذهبی مقرون به شکست خواهد بود.

حال این سؤال مطرح است که در جامعه افغانستان، که پیروان مذهب جعفری در اقلیت به سر می برند و به صورت تقریبی یک چهارم کل نفوس کشور را تشکیل می دهند، وضعیت ترویج و تبلیغ این مذهب چگونه است؟ و چه راهکارهای فراروی مبلغان دینی قرار دارد؟ در مقام ترویج و تبلیغ، اصول و ماهیت اصلی مذهب تا چه حدی منظور می گردد و ساماندهی تبلیغی در چه میزانی وجود دارد؟ و اساساً چه موانع و آسیب های در روند تبلیغی شیعه در افغانستان موجود است؟

در این نوشته برآنیم تا پاسخ های مقتضی را بیابیم و در صورت لزوم طرحی مناسب برای فعال کردن سیستم تبلیغی شیعه در افغانستان ارائه دهیم .

موقعیت ترویج و تبلیغ اندیشه شیعه در افغانستان ؛ چالش ها و موانع:

تاریخ تشیع در افغانستان تاریخ پرفراز و نشیبی است و آمیخته با حوادث تلخ و ناگوار که بیشتر متأثر از تعصبات ویرانگر مذهبی، سیاسی و تبعیض های ناروای نژادی بوده است. اما از سال ۱۳۵۷ ش به این طرف تاپیروزی انقلاب اسلامی افغانستان وضع شیعه ها به گونه قابل ملاحظه ای رو به بهبود بوده و هر روز بهتر از روز های قبل می شده است. این بیشتر به دلیل مشارکت فعال و جان فشانی های جامعه تشیع در جهاد مقدس افغانستان علیه روس های متجاوز بود.

البته بعد از پیروزی، جنگ های داخلی که در میان بعضی از گروه های شیعه و گروه های اهل سنت رخ داد تا حدودی به تعصبات مذهبی گذشته دامن زد و روابط نسبتاً متعادل جامعه شیعه و اهل سنت را متزلزل ساخت. با ورود طالبان در عرصه سیاسی و اجتماعی افغانستان فصل دیگری در تاریخ افغانستان گشوده شد. این بار جهل و تعصب مذهبی و تبعیض نژادی که ریشه های طولانی و تاریخی داشت دست به دست هم دادند. طالبان در مورد شیعه سیاست نسل کشی و قرون وسطایی را در پیش گرفتند، اما با فروپاشی طالبان و شروع حاکمیت جدید، و دولت آقای کرزی، از لحاظ سیاسی وضعیت افغانستان حالت پیچیده تری از گذشته به خود گرفت. حضور نیروهای خارجی به عنوان حافظ صلح، ابهام موجود را دو چندان نمود. ولی از نظر مذهبی و دینی آزادی نسبتاً مطلوبی به دست آمد. این جا بود که سیستم تبلیغی و ترویجی تفکر شیعی در افغانستان باتوجه به تغییرات ۱۸۰ درجه ای در وضعیت سیاسی و اجتماعی افغانستان شکل تازه ای به خود گرفت و عملاً امکان تبلیغ فرهنگ شیعی در بیشتر نقاط کشور افغانستان فراهم شد. از این نظر وضعیت کاملاً استثنائی بوجود آمد، به گونه ای که در سال اول و دوم حکومت کرزی از گروه های انحرافی و متعصب مذهبی مانند وهابیت و مستحیت خبری نبود، گرچه این گروه ها در گذشته، در افغانستان کاملاً فعال بودند ولی با پیش آمد وضعیت جدید، موقتاً سرویس دهی آن ها تعطیل گردید. ولی متأسفانه به دلیل عدم ساماندهی، از فرصت به وجود آمده

مفید

بهره برداری لازم صورت نگرفت. در بسیاری از مناطقی که شیعه ها در تفتیه بسر می بردند و از لحاظ تعلیمات مذهبی در حد بسیار پایینی قرار داشتند مبلغ اعزام نشد. بلکه درکنار خیلی از خوش گمانی ها که از آزادی دینی و مذهبی به وجود آمده بود نگرانی های جدی ای نیز اظهار وجود نمود، و همگام با تشکیل دولت جدید تهاجم فرهنگی به صورت بسیار وسیع و گسترده ای آغاز گردید. از این نظر کشور در وضعیت کاملاً بحرانی قرار گرفت. از لحاظ فرهنگی بسیار ملتهب و مضطرب گردید. به راستی که تهاجم فرهنگی سازمان یافته می توانست تبعات ویرانگر و خسارات جبران ناپذیر فکری و عقیدتی را در پی داشته باشد و با شواهدی که وجود داشت این احتمال قوت یافته بود که از این به بعد اگر مبارزه ای در کار باشد باید برای حفظ اصل اسلام صورت پذیرد و مسأله مذهب از اولویت های بعدی خواهد بود و یا درکنار توسعه مذهبی و ترویج تفکر شیعی بایستی از اصل دین نیز به سختی محافظت شود.

البته این نگرانی همچنان به قوت خود باقی است و حتی امکان تأثیر گذاری اندیشه و تبلیغات ضد دینی وجود دارد. زیرا امروزه کسانی که به صورت مشخص درجبهه ضد دینی قرار دارند، از ابزار پیشرفته و کارآمد تبلیغاتی برخوردارند. صدها عنوان فیلم مبتذل وارد بازار کرده اند، ده ها شبکه تلویزیونی خارجی وجود دارند که برنامه های مبتذل ماهواره ای پخش می نمایند و برنامه های منحرف کننده رادیویی به زبان های فارسی و پشتو اجراء و نشر می شود. بسترهایی برای اشاعه فحشا و فساد جنسی و اخلاقی آماده کرده اند که هرکدام می تواند به نوبه خود دام های خطرناکی برای نسل جوان باشد. این درحالی است که عده ای خواسته یا ناخواسته باره اندازی پروژه های فرهنگی داخلی آب به آسیاب دشمن می ریزند. دو شبکه تلویزیونی «طلوع» و «آئینه» مصداق روشنی از هم یاری با فرهنگ بیگانه و گسترده نمودن تبلیغات ضد دینی است برنامه های مفید آن ها به تناسب برنامه های مضرشان بسیار اندک است. به عبارت واضح تر می توان گفت در این دو شبکه تلویزیونی آنچه وجود ندارد، تولید فرهنگ دینی و فرهنگ سازی اسلامی است.

اما در مقابل کسانی که درجبهه دینی فعالیت دارند، از ابزارهای کارآمد تبلیغی برخوردار نیستند. به گونه ای که حتی یک شبکه تلویزیونی یا رادیویی منطقه ای که موضوعات و مطالب دینی نشر نماید وجود ندارد. با این که ایجاد شبکه های تبلیغاتی پیشرفته هیچ گونه منع قانونی ندارد. بلکه تبلیغات دینی به شکل کاملاً سنتی آن ها نه به

صورت گسترده بلکه به صورت محدود انجام می شود. بسیاری از مبلغین از آرایه دادن برداشت نو و متناسب با نیازهای فکری جامعه ناتوان هستند .

به هر حال آنچه گفته شد نگرانی جدی از ناحیه جبهه ضد دینی بود که چهره مشخص آن در توسعه فحشا و فساد تبارز می نماید. ولی از یک سال به این طرف گروه های منحرف دینی مانند وهابیت و مسیحیت نیز در افغانستان فعالیت های گذشته خود را از سر گرفته و با تجدید قوا و بازنگری وارد میدان شده اند. از آن جا که اکثریت مردم افغانستان را اهل سنت تشکیل می دهد نفوذ و تأثیر تبلیغات وهابیت زمینه های مساعدتری دارد تا مسیحیت. اگر دامنه تبلیغات وهابیت تمام افغانستان را تحت پوشش قرار دهد و نفوذ و تأثیر آن بیش از حد فعلی ادامه یابد چالش های فراوانی برای جامعه دینی افغانستان ایجاد خواهد کرد.

از آن جهت که تبلیغات وهابیت همیشه باقشری گری و دامن زدن به تعصبات مذهبی و تقدس شکنی و تکفیر همراه بوده است می تواند مانع جدی در برابر ترویج و تبلیغ فرهنگ شیعی ایجاد کند. ولی با تمام این نگرانی ها که در ابعاد فرهنگی وجود دارد ، خوشبختانه مانع قانونی و سیاسی برای ترویج و تبلیغ مکتب تشیع به چشم نمی خورد، بلکه با تصویب قانون اساسی جدید و رسمیت یافتن نسبی مذهب شیعه این امیدواری وجود دارد که با تبلیغ معقول و طراحی راهکارهای مناسب ، موقعیت های بهتر و آینده روشنتری برای شیعیان افغانستان بوجود بیاید.

راهکار ترویجی و تبلیغی:

از میان راهکارهای مختلف ترویجی، «راهکار اعتدال و میانه روی» با وضعیت اجتماعی ، سیاسی و مذهبی افغانستان سازگارتر است . طبعاً در کنار آن تمام روش های عقلانی و خردورزی بکار گرفته خواهد شد. در این راهکار، تکیه بر مشترکات دینی ، کاربردی ترین مسأله است و می تواند مردم را به سوی وحدت و همبستگی اسلامی سوق دهد و توطئه های دشمنان اسلام را نقش بر آب نماید. بنابر این از جدال ها و بحث های تعصب برانگیز باید پرهیز کرد. چه این که چنین بحث ها در جامعه ای که هشتاد تا نود درصد آن بی سواد هستند و مولوی های متحجر بر آن ها اشراف کامل دارند، اقدامی است که نه به سود مذهب، که صددرصد به ضرر آن است . بلکه موقعیت جامعه شناختی و واقعیت های

روانشناختی جامعه افغانستان ما را بر آن می‌دارد که اصول و مسلمات مورد اتفاق رابرجسته کنیم و بر اختلافات فرعی و جزئی دامن نزنیم. اگر به طور کلی جامعه اهل سنت افغانستان را در نظر بگیریم و از لحاظ فکری و فرهنگی آن‌ها را گروه بندی نمائیم به مجموعه ای که ناصبی باشد بر نمی‌خوریم. بلکه با مجموعه های رو به رو می‌شویم که حقیقت جو و دوستدار ائمه اطهار علیهم السلام هستند. بنابراین چه نیازی است که اختلافات کلامی که جنبه های کاملاً علمی دارد، در محیط عامیانه و فضاهای عمومی که آمیخته با جهل است مطرح شود؟ بلکه مباحث علمی و تخصصی را مجال علمی باید، تاریخه یابی های لازم صورت گیرد.

بنابراین در این راهکار پیشنهادی، امور ذیل به عنوان زیربنای مطرح می‌شود:

- ۱- تکیه بر مشترکات و محور قرار دادن قرآن و سنت پیامبر(ص).
- ۲- روشنگری های عقلانی و خردمندانه.
- ۳- پرهیز از جدل و بحث های تعصب برانگیز.
- ۴- احترام به آراء و عقاید پیروان مذاهب اسلامی که شیعه نیستند.

ودریک کلام در مسیر ترویج و تبلیغ حقایق، بایستی از فرهنگ و آموزه های قرآنی پیروی کنیم « ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنه »^۲ به خصوص آن جا که قرآن امت مسلمان را امت وسط معرفی می‌نماید.

« و کذالک جعلناکم امة وسطاً لتکون شهداء علی الناس »^۳

با تکیه بر فرهنگ قرآنی و معیارهای یاد شده می‌توان برنامه های مفید و مؤثری را سامان دهی نمود. مانند نشست های دو جانبه فرهنگی که اندیشمندان شیعه و سنی در چنین محافلی مردم را به همبستگی و اتحاد ترغیب نمایند. اجرای برنامه های دینی و فرهنگی مشترک در مناسبت های تاریخی و دینی به خصوص ایامی که متعلق به ولادت، بعثت و رحلت پیامبر(ص) اسلام می‌باشد، و مانند عاشورا که تمام فرق اسلامی آن را حادثه بیدارگر و مجدد دین و شریعت محمدی(ص) می‌دانند و تهیه و تولید مواد فرهنگی چون فیلم های کوتاه و نشر کتاب های داستانی در مورد پیامبرگرمی اسلام(ص) و تنظیم

مطالبی از سیره و روش های مختلف سیاسی، اجتماعی، تربیتی و اخلاقی آن حضرت و ده ها کارمفید دیگر.

بدون شک به کاربستن چنین راهکاری هم می تواند برای رشد کمی و کیفی و توسعه فرهنگی تشیع مفید باشد و هم از جهات زیادی به وحدت و هم بستگی اسلامی بیانجامد، و از این جهت گام مؤثری نیز درمقابل طرح ها و توطئه های دشمنان اسلام باشد. امت اسلامی را به غرور و عزت اسلامی نزدیک نماید. از طرفی در سایه اخوت و هم سوی، زمینه رشد و شکوفایی علمی در کشور فراهم گردد. چه این که نیروهای فکری ما به جای درگیری و جبهه گیری در مقابل همدیگر به سمت رفع نیازهای علمی و فرهنگی کشور سوق داده می شود. و اگر هم مبارزه ای در کار باشد در مقابل جهل و بی سوادی و تهاجم فرهنگی بیگانگان خواهد بود.

اکنون جای آن سؤال است که امکان عملی ساختن چنین طرحی در جامعه افغانستان آن هم در شرایط فعلی از چه توفیقی برخوردار می باشد؟
در جواب این سؤال باید گفت: با توجه به وضعیت سیاسی و اجتماعی فعلی و بافت های قومی و نژادی در افغانستان این طرح، موفق خواهد شد و با تلاش مبلغین و اندیشمندان شیعه به زودترین وقت ممکن جامه عمل می پوشد. البته در صورتی که مبلغین مایک سری دوره های لازم را دیده باشند. در آن دوره ها حداقل آشنایی اجمالی اندیشه اهل سنت و موارد اتفاق و افتراق آن ها با اعتقادات شیعه پیدا نمایند و نیز از مهارت های جامعه شناختی و روانشناختی برخوردار گردند. بعلاوه مبلغین شیعه بایستی دورنمایی از حرکت روبه رشد شیعه را در نظر بگیرند و به یاد داشته باشند که یک اقلیت در هر جایی از دنیا که باشد از راه خشونت پیروز نمی شود بلکه اقلیت اگر بخواهد باقی بماند، بایستی شاخص های علمی و اقتصادی خود را بالا ببرد، و این میسر نیست مگر این که قانونمند عمل کند و به گونه ای حرکت کند که کمترین آسیب به او نرسد.

طرحی برای ساماندهی تبلیغی:

موضوع دیگری که به دنبال طرح راهکار مناسب تبلیغی حائز اهمیت می باشد، مسأله همبستگی و ساماندهی تبلیغی است. متأسفانه فعلاً شبکه تبلیغی شیعه در افغانستان با پراکندگی درآوری روبه روست. این پراکندگی هم در ابعاد بزرگتر و سیاست گذاری های

کلان تبلیغی و هم درمقیاس کوچکتر؛ فقدان مؤسسات دینی، فرهنگی قابل لمس است. به دلیل اهمیت موضوع نگارنده این بحث را در دو بخش پی می گیرد:

الف) ضرورت ساماندهی (ب) طرحی برای ساماندهی تبلیغی

الف) ضرورت ساماندهی:

نویسنده که از مدتی به این طرف مستقیماً با مسائل فرهنگی و تبلیغی سروکار دارد، آن هم در مناطقی که اکثریت آن را اهل تسنن تشکیل می دهد، براین باور است که اگر ساماندهی تبلیغی صورت نگیرد و به صورت هدفدار و منظم عمل نشود مشکلات فعلی ما دو چندان خواهد شد. با توجه به حجم وسیعی از تهاجم فرهنگی و اشاعه فرهنگ دین ستیزی، زمینه های مساعد تبلیغی که هم اکنون موجود است از بین خواهد رفت و ممکن است در آینده چنین فرصتی دیگر پیش نیاید. در شرایطی که دشمنان قسم خورده اسلام، تبلیغات سازمان یافته را با تجهیزات مدرن و با صرف هزینه سنگین اقتصادی، ساماندهی کرده اند، در هم ریختگی و پراکنده عمل نمودن نیروهای تبلیغی هیچ گونه توجیه عقلانی و دینی ندارد. بلکه درمقابل، ساماندهی تبلیغی یک ضرورت اجتناب ناپذیر است و باید با تمام توان و هماهنگی کامل برای دفاع از مرزهای عقیدتی و فکری خود بپا خیزیم و جلو سیلی از تهاجمات دشمن را با اراده فولادین و ایمان راسخ و مدیریت تبلیغی مناسب سد نمائیم. تنها دفاع هوشمندانه و هدفدار از فرهنگ، اعتقاد و کیان اسلامی است که می تواند با هویت اسلامی، انسانی ما سختیّت داشته باشد و در این صورت است که می توان به امدادهای غیبی و نصرت الهی امیدوار بود.

«یا ایها الذین آمنوا ان تنصروا لله ينصرکم ويثبت اقدامکم»*

با دست روی دست گذاشتن و منتظر معجزه نشستن، مشکل ما حل نخواهد شد و وارفتگی و تسلیم جز حقارت و ذلت نتیجه دیگری نخواهد داشت.

ب) طرحی برای ساماندهی تبلیغی:

به نظر نویسنده طرحی می تواند کارآمد باشد که با خصوصیات فرهنگی جامعه شیعی افغانی مطابقت داشته باشد. از طرفی بتواند مشارکت حداکثری مردم را فراهم سازد تا عملاً

امکان سرمایه گذاری های مردمی در زمینه های تبلیغی چون زمینه های دیگر به وجود بیاید. استقلال فرهنگی و استحکام آن در برابر اشاعه فرهنگ بیگانه نیز تأمین گردد. چه این که تجربه ثابت کرده است که انسان ها آنچه را خود به وجود آورده اند در حفظ و حراست از آن نهایت تلاش و سعی لازم را به کار می گیرند.

بنابراین طرحی که در این زمینه ذیلاً ارائه می گردد، خصوصیات یاد شده را دارا می باشد و برای ساماندهی تبلیغی، رفع نیازهای موجود و ترمیم وضعیت فرهنگی فعلی در نظر گرفته شده است.

ساختار اصلی طرح؛ «تشکیل دار التبلیغ اسلامی»

با توجه به ضرورت هایی که وجود دارد، باید تشکلی تحت عنوان فوق به وجود بیاید که به صورت فراگیر عمل کند و تعیین سیاست گذاری های تبلیغی را به عهده بگیرد. این تشکل که دارای ۶ کمیسیون کاری می باشد، کارهای تبلیغی را به صورت پیشرفته و مدرن عهده دار می گردد، و هر یک از کمیسیون های مربوطه جزئی از یک کل را تشکیل می دهد و به صورت یک پیکره واحد و بهم پیوسته کارایی دارند.

کمیسیون های دارالتبلیغ اسلامی در یک نگاه اجمالی قرار ذیل می باشد:

۱- **کمیسیون علمی:** این کمیسیون شاخصه های علمی و جنبه های تحقیقی و نیازهای از این دست را تأمین می نماید. اعضاء آن حداکثر بیست نفر و حداقل ده نفر می باشند و از میان نخبگان کشور که در علوم اسلامی تخصص دارند گزینش می شوند. از این مجموعه باید دو نفر روانشناس و یک نفر جامعه شناس باشند.

۲- **کمیسیون فرهنگی و ارزیابی مبلغین:** این بخش به صورت کلی کارهای فرهنگی و تنظیم کمی و کیفی برنامه های راکه در مناسبت های دینی و مذهبی در نظر گرفته می شود بعهده می گیرد و با طراحی الگوهای مناسب، طرح های برتر را به تمام نهادهای فرهنگی ذی ربط تعمیم می دهد. طبیعی است که در این بخش با توجه به وسعتی که دارد، از چهره های ادبی و فرهنگی کشور استفاده خواهد شد و با اجرای طرح

های مفید، بستر شکوفایی فکری و فرهنگی فراهم می گردد. در این کمیسیون می توان برنامه های خاصی پیش بینی نمود که در آن از مبتکران فرهنگی که روش های ابداعی و برتر دارند، تقدیر بعمل آید و از این طریق برای دیگران نیز ایجاد انگیزه شود. این کمیسیون می تواند نشریه ماهانه، هفته نامه و یا روزنامه داشته باشد که در آن اخبار روز و مقالات فرهنگی، دینی چاپ و به دسترس مردم قرار گیرد. بعضی از برنامه های تاریخی، دینی و مذهبی که زمینه نشر آن از رادیو و تلویزیون ملی وجود دارد در این کمیسیون تهیه و تدوین گردد. ارزیابی های اولیه مبلغین، و نیز ارزیابی های که در حوزه های تبلیغی انجام می شوند توسط این کمیسیون صورت می گیرد. در ارزیابی ها مهمتر از هر چیزی مشخص کردن سلامتی روانی مبلغ است لذا باید تست هایی تهیه شود که سلامتی روانی مبلغ را تایید کند، در غیر این صورت آنچه مبلغ به مردم منتقل می نماید آمیخته با عقده ها و اعمال غرضهای شخصی خواهد بود.

۳- کمیسیون مهارتهای تبلیغی:

این کمیسیون باید تمام مبلغین اعزامی را با مهارت های لازم مانند مخاطب شناسی، نحوه ایجاد ارتباط با مخاطب، شیوه انتقال مطالب، مدیریت مردم در مقاطع خاص (مدیریت بحران)، شیوه کلاس داری، مدیریت جلسات مذهبی - از آشنایی با بلندگو گرفته تا کارهای بزرگتر آشنا سازد. بحث مهارتهای تبلیغی به نوبه خود یکی از موضوعات مهم و حساس در امر تبلیغ است و سیره پیشوایان معصوم علیهم السلام می تواند در این زمینه و زمینه های دیگر از منابع اصلی و گنجینه های تمام نشدنی باشد. متأسفانه امروزه خلأ ناشی از عدم مهارت های تبلیغی در جامعه مبلغین ما محسوس است.

از دیگر کارهایی که در این کمیسیون انجام می شود، پرونده سازی برای هر مبلغ است. ریز فعالیتها، طرحها و موفقیت های او در آن محفوظ بوده و به عنوان آینه تمام نما از شخصیت کاری مبلغ به طور همیشه در دسترس قرار داشته باشد.

۴- کمیسیون تربیت و آموزش کادرفنی و متخصص:

این کمیسیون افراد مستعد و خوش ذوقی را که حداقل از تحصیلات متوسطه حوزه ای برخوردار باشند، جهت مدیریت بخش های مهم فرهنگی از جمله رادیو و تلویزیون و تولید

برنامه های رادیویی و تلویزیونی مانند فیلم نامه نویسی، داستان نویسی و برنامه نویسی کامپیوتر تربیت نماید. از این طریق بتواند نیازهای فنی و تخصصی را در ایجاد و راه اندازی یک شبکه تلویزیونی و رادیویی برآورده سازد. طبیعی است که برای دست یابی به هدف مطلوب، ایجاد فضای آموزشی و تهیه امکانات مناسب لازم است و نیز بهره گیری از افراد لایق و برجسته در امر آموزش.

۵- کمیسیون مالی :

این کمیسیون با جذب کمک های متدینین و خیرین مسلمان از داخل و خارج، اعتبار مالی دارالتبلیغ را فراهم می سازد و با در نظر داشت شاخص های علمی و برآورد هزینه در هر بخش اعتبار مناسب را لحاظ می نماید. قطعاً بخش اعظمی از این بودجه از وجوهات شرعیه مردم تأمین خواهد شد.

۶- کمیسیون روابط:

این کمیسیون ارتباط « دارالتبلیغ اسلامی » را با مؤسسات دینی و مذهبی و چهره های علمی آزاد در داخل کشور و با مؤسسات دینی و اسلامی و مراجع ذی ربط در خارج از کشور برقرار می سازد. از این طریق امکان رایزنی های فرهنگی و هر نوع همکاری و تأمین مواد فرهنگی میسر می گردد. در عین حال از هدر رفتن امکانات فرهنگی و تجهیزات مربوطه جلوگیری می شود.

تعداد اعضای کمیسیون های یاد شده می تواند متغیر باشد و متناسب نیاز تعیین گردد. طبعاً بعضی از کمیسیون ها، به افراد کمتر و برخی به افراد بیشتری نیاز خواهد داشت.

رهبری و سرپرستی دارالتبلیغ:

سرپرستی « دارالتبلیغ اسلامی » را ۶ تا ۷ نفر از رؤسای کمیسیون های یاد شده به عهده خواهند داشت. از این طریق ارتباط زنجیره ای بخش های مربوطه به شکل بسیار مناسبی تأمین می گردد و هیأت سرپرستی می تواند به صورت شورایی سیاست گذاری های

کلان تبلیغی را انجام دهد. البته برای جلوگیری از هرگونه پراکندگی اعضای هیأت سرپرستی رئیس کمیسیون علمی به عنوان رئیس شورای سرپرستی «دارالتبلیغ» برگزیده خواهد شد.

«دارالتبلیغ» که روابط خود را با تمام مؤسسات دینی، هیئت‌های مذهبی، کانون‌های فرهنگی، بخش‌های فرهنگی مساجد و انجمن‌ها برقرار می‌سازد، در عین حال مردم را به تأسیس مؤسسات محلی و دینی تشویق خواهند نمود. تا از این طریق شیعیان از حالت بی‌تفاوتی خارج شوند و در قالب مجموعه‌های منظم، هر کدام نقش مناسب با توان و قدرت خود را ایفاء نمایند.

«دارالتبلیغ» می‌تواند در همایش‌های سالانه خود کارنامه یک ساله خود را ارزیابی نماید و از مبلغین ممتاز و مؤسسات برتر تقدیر کند و آن‌ها را به نشان مخصوص فعالیت مفتخر سازد، تا عملاً زمینه ترغیب مردم به فعالیت‌های دینی فراهم گردد.

در صورت بهبود وضعیت مالی و اقتصادی «دارالتبلیغ» می‌تواند مبالغی را برای راه اندازی مسابقات عمومی در سطح تمام مؤسسات هزینه نماید و با پرداخت جوایز، افراد مستعد و کوشا را مورد تشویق قرار دهد. اما برای جلوگیری از هر نوع تنش میان مؤسسات و زیر مجموعه‌های «دارالتبلیغ» بهتر است آزمون‌ها از طریق خود مؤسسات صورت گیرد و افراد برتر از طریق خود مجموعه‌ها مشخص گردد. البته لازم است «دارالتبلیغ» معیارها و ملاک‌های امتیاز را در محورهای معین اعلام نماید.

تشویق و جهت‌دهی مؤسسات دینی و ایجاد انجمن‌های محلی می‌تواند کار بسیار مفید و مؤثری باشد و مشارکت مردمی را در مسائل فرهنگی دینی، در حد بسیار اعلا تحقق بخشد، بدین ترتیب «دارالتبلیغ» می‌تواند در صورت نیاز، بخش دیگری در نظر بگیرد و به کمیسیون‌های مربوطه اضافه نماید، و از این طریق برای هر مؤسسه حساب‌های متناسب با حجم فعالیت‌های آن داشته باشد. در این صورت کارهای عمومی دینی و فرهنگی را خود مردم انجام خواهند داد و تمام افراد شیعه در یک شبکه سراسری تبلیغی فرهنگی سهیم خواهند بود و هر منطقه از طریق انجمن‌های فرهنگی خود به «دارالتبلیغ اسلامی» متصل و مرتبط می‌گردد.

بنابراین از طریق ایجاد مؤسسات اسلامی و دینی می توان جامعه شیعه را از وضعیت بی تفاوتی و انفعال به وضعیت پویا و فعال منتقل نمود، جلو نفوذ تبلیغات بیگانه را با امکانات مردمی و با هزینه های بسیار اندک سد کرد.

امتیازات این طرح:

ایجاد « دارالتبلیغ اسلامی» می تواند فواید بسیاری و برکات بی شماری داشته باشد که به صورت اجمالی به پاره ای از آن ها اشاره می شود:

- ۱- بهره گیری و استفاده مناسب و بهینه از امکانات مادی و معنوی و نیروی انسانی . در صورت پراکندگی هم مجبوریم امکانات زیادی خرج نمائیم و هم افراد مستعد و مبتکری که دارای طرح و انگیزه کاری بوده اند ولی مورد حمایت واقع نشده اند از دست رفته اند در نتیجه سرخورده و منزوی و به نیروی بی خاصیت تبدیل می شوند .
- ۲- با اجرای این طرح شیعه عملاً دارای نظام فرهنگی برتر خواهد شد.
- ۳- زمینه تشویق افراد ممتاز به آسانی و به شکل مطلوب فراهم می شود تا از طریق برجسته نمودن توفیقات آنان زمینه تشویق و ترغیب دیگران نیز آماده گردد.
- ۴- امکان جلب کمک های مالی و مساعدت های اقتصادی از خیرین و افراد سرمایه دار شیعه، چنان که آن ها در یک طرح موفق و منظم و حرکت هدفدار عملاً نتیجه اعانت های مالی خود را می بینند.
- ۵- جلوگیری از رقابت های منفی که در بعضی مناطق در جریان است و در بیشتر موارد به دو دستگی مردم و ایجاد نفاق منجر می گردد.
- ۶- تشخیص نیازهای فرهنگی روز و تجهیز مبلغین براساس نیازهای موجود.
- ۷- تربیت افراد مستعد در زمینه های مورد نیاز تبلیغی .
- ۸- الگوسازی و فرهنگ سازی در جامعه .

نگارنده امیدوار است با دلسوزی بزرگان مذهب و توجه مراجع عظام تقلید و همین طور طلاب جوان و پرتلاش کشور این طرح و یا طرح های بهتر از آن جامه عمل ببوشد و جامعه ما از پراکندگی و درهم ریختگی تبلیغی و فرهنگی نجات یابد ان شاء الله

آسیب های تبلیغی و ترویجی:

بعد از طرح راهکار و صحبت از ساماندهی تبلیغی، بایسته است از آسیب های آن نیز سخن به میان آید و با شناسایی آسیب های تبلیغ، راهکارهای مقابله و پرهیز از آن ها در نظر گرفته شود، تا تبلیغات شیعه، تبلیغات سالم و پیراسته از هرگونه تنافر و اعوجاج، جایگاه عقلانی و شایسته خود را در قلوب مردم پیدا کند.

آری در جامعه ای که استبداد و ستم حکومت نموده و تبعیض های مذهبی و نژادی فراوان وجود داشته است و مردم آن در فقر اقتصادی و فرهنگی روزگار می گذرانند، زمینه های مساعدی برای بروز پدیده های روانی، فکری و رفتاری وجود دارد هر کدام از آن ها می تواند به عنوان آسیب شناخته شود و سیستم تبلیغی یک جامعه را نیز متأثر بسازد. ذرکنار پدیده های ناهنجار محیطی، عوامل دیگری نیز وجود دارد که به عنوان آفات فکری و اخلاقی، نیروهای فکری و هدایت دهنده جامعه را تهدید می کند، البته وجود آفات فکری و ناهنجاریهای اخلاقی در هر اجتماعی قابل پیش بینی می باشد و اختصاص به جامعه افغانستان ندارد.

سیستم تبلیغی و ترویجی اندیشه شیعه در افغانستان در حوزه جغرافیایی خود از خطرات مشخصی تهدید می شود. ذیلاً به عناوین خطرناک اشاره می گردد و همگام با ذکر موارد آسیب، به راهکارهای مقابله با آن ها نیز توجه شده و مطالبی در این خصوص نگاشته می شود:

۱- افراطی گری: نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

این پدیده غیر اخلاقی که از دیرباز در جامعه تبلیغی افغانستان وجود داشته و صحنه های خنده آور و بعضاً تأسف باری را پدید آورده است امروزه نیز چون لکه ننگی در پیکره تبلیغی شیعه خودنمایی می کند. اگر در گذشته افرادی وجود داشته که به عنوان مبلغ و مروج احکام اسلامی موهای سر مردم را به نشانه تعبد اخلاقی و حفظ ظواهر اسلامی، خشک می تراشیده اند و در هنگام پرسیدن و تصحیح اجزاء نماز، مخارج حروف حلقی و غیر حلقی را با فرو بردن انگشت خود به دهن فرد تحت تعلیم نشان می داده اند تا جایی که فرد تحت تعلیم به جای یادگیری حالت تهوع پیدا و از یادگیری نماز و دین داری تنفر پیدا می کرد.

امروزه نیز روحانیونی وجود دارند که جوانان را از خواندن درسه‌های کلاسیک و مدارس دولتی منع می‌کنند و به خانه‌های مردم با وسواس خاصی وارد می‌شوند. اگر فردی به هر دلیلی ولو جهل به مسأله و یا فقر و نداری وجوهات خود را نپردازد به آسانی مورد تکفیر افراطیون واقع می‌شود. اگر روحانی براساس مصالح اجتماعی و اسلامی با اهل سنت روابط حسنه داشته باشد و در سایه روابط نیکو گرچه خدمات ارزنده‌ای به نفع مذهب و مردم انجام دهد، به نظر افراطیون خشکه مقدس کاری که مورد رضایت امام زمان (ع) باشد انجام نداده است. بلکه اقدامات او را کاملاً به ضرر مذهب می‌دانند و عوام الناس را علیه او می‌شورانند. این دسته گرچه به صورت صریح جنگ با اهل سنت را تجویز نمی‌کنند ولی در عمل به گونه‌ای حرکت می‌نمایند که گویی با آن‌ها در جنگ به سر می‌برند و با رفتار خود اقلیت شیعه را به جبهه‌گیری علیه اهل تسنن فرا می‌خوانند.

«افراطی‌گری» که برخاسته از تحجّر و جمود فکری است، نه تنها در افغانستان که در تمام جهان اسلام در دین‌گریزی مردم و تأثیر تبلیغات بیگانه نقش بزرگی دارد. در صدر اسلام تفکر خشک خوارچ موجب شد که جنگ نهروان با هزینه سنگین انسانی اتفاق بیفتد و بعد از آن بقایای این تفکر ننگین شاه بیت سرود انسانیت و افضل اولاد آدم بعد از پیامبر (ص) را در محراب عبادت و دعا ترور کردند. در شرایط کنونی نیز تفکر افراطی‌گری در سطح بین‌المللی در تلاش است تا از اسلام چهره خشن و وحشتناکی بسازد و افراطیون چون شمشیر برهنه‌ای ابزار دست بیگانه قرار می‌گیرد. این جاست که بشریت با وجود این پدیده خطر آفرین فکری باید حسرت برق شمشیر علی و تیزبینی‌های او را بخورد. بی‌گمان افراطی‌گری، دردی است که علاجی غیر از شمشیر علی (ع) ندارد. و شاید بتوان با تعلیمات صحیح اسلامی و تربیت دینی، این آسیب را به حداقل رساند!

۲- سطحی‌نگری دینی با شعار روشنفکری:

این پدیده گرچه در گذشته در جامعه تشیع افغانستان بسیار نادر بود ولی متأسفانه فعلاً در طیف تبلیغی و فرهنگی تشیع روبه‌رشد است. کالبد شکافی چنین پدیده‌ای فرصت زیادی می‌طلبد تا در موقعیت مناسب ریشه‌های روانشناختی و زمینه‌های شکل‌گیری آن بررسی گردد. چنین مجالی فعلاً برای نویسنده میسر نیست اما با یک چشم انداز اجمالی

می توان تصویری از این حرکت ارائه داد تا روشن گردد که این پدیده نیز در زنجیره آسیب ها قرار داشته و از موارد مهم و خطرناک است.

این پدیده که پشت کردن به مبانی سنتی اسلامی و منابع دست اول اسلام است، بیشتر در افراد جوان به چشم می خورد که به بهانه مقتضیات زمان و نیازهای روز خیلی از مسائل مهم فقهی، اصولی، کلامی و تفسیری را از قلم می اندازند و به خواندن چند کتاب دینی که به فارسی نوشته شده است اکتفا می کنند. به امر فراگیری زبان های خارجی بهای بیشتری می دهند و بعضاً داستان ها و رمان های خارجی و تخیلی را بر کتاب های اخلاقی ترجیح می دهند. چنین افرادی چون به منابع دست اول اسلام آشنایی ندارند، و از فهم کامل و عمیق دین بی بهره اند و بر طبق فرموده پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) یکی از مهمترین واجبات تبلیغ را به دست فراموشی سپرده اند.

حضرت پیامبر (ص) در حدیثی چنین می فرمایند :

« ان دین الله لن ینصر الا من احاطه من جمیع جوانبه »^۱

مسلم است احاطه دینی بدون آشنایی به منابع اولیه و اصلی دین امکان پذیر نخواهد بود. بنابراین با برداشت سطحی مبلغ از دین و بی خبر بودن او از محتوای شریعت، تبلیغ دینی نه به نفع دین که قطعاً به ضرر آن خواهد بود.

با این وجود این افراد در مواجهه با شبهات و تهاجم فرهنگی بیگانگان از یک سو و پرسشهای دینی و مذهبی متدینین از سوی دیگر چه خواهند کرد؟! چون نمی توانند اقتناع فکری مؤمنین حقیقت جو را فراهم آورند از جامعه دینی رانده خواهند شد و اما در مقابل بیگانگان مغرض چون از عمق دینی و ذخایر معرفتی برخوردار نیستند چاره ای جز تسلیم شدن ندارند. وضعیت این گونه افراد شبیه کسی است که بدون اسلحه وارد میدان جنگ شده و با فنون رزمی نیز آشنایی ندارد و به قول جوان ها از پشت شیشه، کلاس کاراته را دیده است.

روشنفکران دینی سطحی نگر گرچه در یک تقسیم بندی با افراطیون مذهبی متفاوتند ولی در یک چیز هر دو گروه مشترکند و آن سطحی نگری دینی است. هر دو گروه برداشت همه جانبه و محتوایی از اسلام ندارند. افراطیون بر حفظ ظواهر اسلامی متعبدند و روشنفکران سطحی نگر چون به ظواهر اسلامی زیاد مقید نمی باشند و به بهانه واهی چون

مصلحت و مقتضیات زمان و ... از گذاشتن ریش فرانسوی و یا آلمانی و در صورت لزوم حتی از تراشیدن محاسن شریف نیز دریغ نمی کنند. این دو طیف فکری از هم جدا می شوند. به تعبیر دیگر گروه دوم هم از ظاهر اسلامی بریده اند و هم از محتوا و گروه اول تنها از محتوای دینی تهی می باشند.

حرکت به اصطلاح روشنفکری با شاخصه های که برایش ذکر گردید می تواند از آسیب های جدی در امر تبلیغ و ترویج تشیع در افغانستان باشد، همان گونه که می تواند وجود چنین تفکری در هر جامعه اسلامی برای دین مقدس اسلام مضر و مخرب به شمار آید.

۳- تبدیل پایگاه های دینی و مراکز مهم مذهبی به پایگاه های میراثی:

در گذشته نه چندان دور دانشمندانی با درک و عالمان دلسوز و وارسته ای وجود داشته که در عمق اختناق و خفقان توانسته اند خدمات عام المنفعه دینی و اجتماعی را انجام دهند و مراکز مهم علمی و فرهنگی را به وجود بیاورند. در واقع تلاش پیگیر و بی وقفه علماء افغانستان موجب شد که در حدود دو دهه قبل، مراکز دینی عملاً به پایگاه های ضد استعماری و سنگرهای مستحکم دینی و فرهنگی تبدیل شوند. و جهت دهی و رهبری مردم را در حوادث مهم کشور عهده دار گردند. اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در افغانستان و تعطیلی نسبتاً طولانی مراکز دینی در این کشور، انتظار می رفت که این مراکز در بیداری و جهت دهی مجدد مردم و ترویج مسائل و معارف دینی نقش فعالتری ایفا نمایند. اما متأسفانه در بسیاری از مراکز یاد شده این انتظار عقلانی برآورده نشد. شاید بیشتر به این دلیل، که افراد مؤسس و دلسوزانی که در گذشته این پایگاه ها را ایجاد نموده بودند، فعلاً نیستند. افراد تأثیر گذار و چهره های برجسته علمی مانند حضرت آیت الله سید محمد سرور واعظ، آیت الله محمد امین افشار و ... همگام با نهضت مردمی علیه کمونیست ها در افغانستان به دست عمال کمونیست دستگیر و از آن به بعد تاکنون سرنوشت آن ها نامعلوم است. از این رهگذر ضایعه جبران ناپذیری به پیکر فکری و علمی کشور وارد آمد. ولی بستگان اندیشمندانی که مراکز مذهبی منتسب به آن ها می باشد در موقعیت علمی و اجتماعی آبا و اجدادشان نیستند و یا اصلاً در کشور حضور ندارند، لذا استفاده لازم و مفید توجه از مکان های فرهنگی و مذهبی انجام نمی شود و از نظر تأمین اقتصادی نیز مشکل دارد.

به هر حال غیر فعال بودن چنین مکان هایی که در گذشته منشأ خیرات بسیار و بیداری دینی و از پایگاه های اصلی تبلیغ و ترویج شیعه بوده اند و نیز استفاده میراثی از آن ها می تواند یک آسیب جدی محسوب شود و ضرر ناشی از آن در پیکره تبلیغی شیعه کاملاً آشکار می باشد. تجمعات چند هزار نفری هفته وار در این مکان ها با این که زمانی از آن نگذشته به افسانه های غیرقابل پذیرش تبدیل گشته است. آیا نمی شود این مراکز مقدس را احیای دوباره کرد؟ شوق و شور و شغف دینی را در این پایگاه ها به وجود آورد؟! البته با ایجاد سازمان حوزه های علمیه در افغانستان و تأسیس مدیریت اوقاف شیعه ممکن است بخشی از مشکلات موجود برطرف گردد، اما فعالیت فراگیر و همه جانبه در این مراکز بدون مدیریت فعال دینی امکان پذیر نخواهد بود. امیدوارم شخصیت های علمی ما این ضرورت را درک نمایند و تا دیر نشده به یاری مراکز مذهبی و علمی کشور به پاخیزند.

۴- بحران معنویت:

بدون شک مبلغین در میان مردم به عنوان نماینده های دین محسوب می شوند و مسؤولیت آن ها بیدار نمودن مردم و دعوت آن ها به سوی خدا و سیره و سنت پیامبر (ص) و ائمه معصومین علیهم السلام است به تناسب مسؤولیت مهم و مقدسی که دارند، تقدس فردی آن ها نیز حائز اهمیت می شد، زیرا اگر مبلغی از معنویات تهی باشد و متخلق به اخلاق حسنه نشده باشد نمی تواند، خود را در برابر تهاجم شهوات، تمایلات نفسانی و وسوسه های شیطانی محافظت کند و در پیش آمدها و شدائد سعه صدر لازم و مقاومت کافی را به خرج دهد.

لذا قبل از این که تأثیر گذار باشد از امواج فتنه ها و ترفندهای شیطانی متأثر می گردد. گذشته از این، تأثیر گذاری و نفوذ معنوی چنین فردی در اجتماع و توده مردم محال است و به قول طلاب محترم سالبه منتفی به انتفاء موضوع خواهد بود. چه این که در واقع معنویت و وجود نداشته تا تأثیر و تحول مقتضی را ایجاد نماید. از این رهگذر است که از میان جمعیت زیاد مبلغین، تنها عده انگشت شماری موفق می شوند تحول و انقلاب معنوی در توده اجتماع به وجود بیاورند و در اقیانوس بی کران دل ها موجی از امید، نشاط و عزت بیافرینند. مردم حقیقت خواه درسایه سار اندیشه و کلام سبز آنان نسیم رحمت الهی و بهار دل ها را تجربه کنند. این ها همان مبلغان راستین اند که آبشار زلال وحی از کوهسار

وجودشان جاری است و عطر و طراوت کلام پیامبر(ص) در بیان شان باقی ، و در عین نداری و فقر از ثروت های معنوی برخوردار و از غنای روحی بهره مندند . در کمال گمنامی شهره جان های پاک اند. اینان ، از هستی زودگذر دنیا، جاودانگی را برگزیده اند و با تمام وجود در تکاپوی فضل و رضوان الهی هستند : «یبتغون فضلاً من الله ورضواناً وينصرون الله ورسوله»^۷ آری اینها از یاوران دین و از لشکریان واقعی اسلام اند. آن هم از سنخ بدریون ، خدا خواهی تمام هستی آن ها را فراگرفته و لحظه لحظه زندگی آنان مشحون از خدا آگاهی و خود آگاهی است:

«الذین یذکرون الله قیاماً و قعوداً و علی جنوبهم»^۸

و ملامال از عزّت ، اقتدار و شکست ناپذیری هستند:

«ولله العزه وللرسول وللمؤمنین»^۹

اما با کمال تأسف تعداد زیادی از مبلغین این گونه نمی باشند، بلکه آنان یکی پس از دیگری از مدار اعتبار و تأثیر گذاری بر مردم خارج می شوند و با اندک مقاومتی جذب محیط هایی می گردند که اساساً منطبق بر معیارهای دینی و اخلاقی نیستند. درد آورتر از همه عده ای هم، در بنگاه های تبلیغاتی و مؤسسات بیگانه روزگار می گذرانند و اگر اعتبار مالی برایشان فراهم شود بعنوان کارشناسان دینی علیه اسلام موضع خصمانه می گیرند و مسلمات دینی را از طریق رسانه های ارتباط جمعی که اکثراً متعلق به دشمنان دین می باشند، به چالش می کشند. این عده گرچه در ظاهر خود را یک سرو گردن بالاتر از دیگران می دانند ولی مطمئناً از لحاظ روحی ذلیل ترین افرادند و در درون خود احساس حقارت می نمایند.

بهرصورت «بحران معنویت» از آسیب های جدی در جامعه تبلیغی به شمار می رود و چیزی نیست که از کنارش بی تأمل بگذریم و با خونسردی وجود و حضور روحانی و مبلغ متهای معنویت را در شبکه تبلیغی کشور نظاره گر باشیم . از طرفی هم مردم را به بی دینی، لامذهبی و دین ستیزی متهم نماییم. بلکه باید این حقیقت تلخ را قبول کنیم که تا شبکه تبلیغی ما از وجود افراد ناباب تصفیه نشود ، دین گریزی مردم، به خصوص جوانان

متوقف نخواهد شد. امیدواریم مبلغین خوش فکر به خصوص طیف جوان تبلیغی کشور این واقعیت را درک کنند و با تکیه بر اخلاق اسلامی و خود سازی و تهذیب نفس خلأ معنویت را پر سازند. در بسترهای انس و خلوت با خدا ارتباط خود را با خالق هستی مستحکم نمایند و با وارستگی و سرمایه معنوی وارد عرصه مقدس تبلیغ شوند. در این صورت قطعاً تأثیر گذار خواهند بود. زیرا نحوه ارتباط فرد با خدا تأثیر مستقیم در روابط او با مردم دارد. خدایی که بر تمام هستی احاطه کامل دارد و تمام موجودات در رویش و پیویش از او تأثیر می پذیرند، می تواند در چشم و دل انسان ها نیز تحول و تغییر مطلوب ایجاد نماید. و به سخنان مبلغان دین تأثیر شگفت آور ببخشد و حرکات او را بیدار گر قرار دهد.

محور چرخ کهن جز او نبود سوز او در هر سخن جز او نبود^{۱۱}

بدین ترتیب بخشی از بحران معنویت را می شود با همت طلاب جوان و حرکت معنوی آنان بر طرف ساخت و بخش دیگر را با ساماندهی تبلیغی، در صورت ایجاد «دارالتبلیغ» و با ارزیابی های همه جانبه می توان ورود افراد نالایق و مبلغ نما را در شبکه تبلیغی کشور محدود نمود.

۵- کج فهمی های دینی:

کج فهمی دینی که منجر به انحراف دینی می گردد، می تواند آسیب محسوب شود. متأسفانه مواردی از آن را در جامعه اسلامی افغانستان مشاهده می کنیم و در هر جامعه فکری و دینی دیگر چنین پدیده ای امکان وقوع دارد.

اصل این پدیده ممکن است به دلایل مختلف اظهار وجود نماید ولی یکی از مهم ترین دلایل بروز آن تحکم نظام های آموزشی و محیط های فکری و تربیتی است که در افراد ضعیف تولید عقده می نماید. بنابراین افرادی که با چنین مشکل فکری روبه رو هستند، می کوشند تا با ارائه نظرات عجیب و غریب جلب توجه کنند. نظراتی که می تواند صرفاً یک ادعا باشد نه مستند به مدارک و شواهد متقن و استوار. آنان عناوین مهم علمی را برای خود نسبت می دهند تا از این طریق احساس شخصیت نموده مشکل روانی خود را بر طرف سازند.

جهت گیری های «مجله حقوق زن» که تاحدودی جنجال برانگیز هم بوده است ، نمونه بارزی از این گونه کج فهمی هاست که متأسفانه فعلاً به انحراف آشکار تبدیل شده است .^{۱۱} عوامل بیگانه این گونه نظریات انحرافی را از آن جهت که در راستای تأمین منافع استعماری آن ها ست، می ستایند. بعید نیست که به صاحبان اندیشه های بیمار کمک های قابل ملاحظه اقتصادی نیز بکنند، تا فضای فکری جامعه را با تقویت نیروهای گمراه کننده داخلی متشنج و ملتهب نگه دارند و میزان شک و تردید را در افرادی که برداشت سطحی و آشنایی ابتدایی با احکام اسلامی دارند بالا ببرند.

این پدیده انحرافی نیز مانند خیلی از ناهنجاری های فکری دیگر ریشه در بحران شخصیت و معنویت دارد و صاحبان چنین اندیشه هایی قطعاً از سلامت روانی کافی برخوردار نیستند . هویت دینی آن ها به شکل صحیحی شکل نگرفته ، و از این جهت بحران هویت نیز دامنگیر چنین انسان هایی است. لذا افراد مذکور با ایجاد فضاهای کاذب اعتقادی ، تقدس شکنی و هنجار ستیزی جلب توجه می نمایند. آنچه بیش از همه می تواند از بروز چنین پدیده ای خطرناک جلوگیری کند ، بالابردن ظرفیت اخلاقی مبلغان دینی خواهد بود و نیز از بین بردن فشارهایی که ممکن است در ایجاد عقده های روحی و روانی نقش داشته باشد . به هر حال عقده های روانی می تواند از انسان موجود خترساز و مشکل آفرین بسازد.

۶- رقابت های منفی:

رقابت های منفی پدیده رقت باری است که کم و بیش وبه طورعام در جوامع تبلیغی و در میان مبلغین دینی وجود داشته وبه طور خاص در جامعه شیعی افغانستان نیز عرض اندام نموده است. رقابت های منفی را نمی توان یک پدیده نوظهور دانست و به مثابه یک نهال نارس و یا کودک تازه پا فرض کرد، بلکه در شبکه تبلیغی ما این پدیده به کهنسالی رسیده و ریشه های عمیق در پیکر تبلیغی دارد .

این پدیده گرچه ریشه در ضعف معنویات دارد و از رذایل اخلاقی محسوب می شود ولی به دلیل اهمیت آن لازم است تحت عنوان مستقل مطرح گردد . رقابت های منفی از آسیب های بسیار ناگوار در امر تبلیغ و ترویج مذهب است و می تواند بستر بسیاری از نارسایی ها و نابسامانی ها باشد و به آسانی زمینه نفوذ و تسلط بیگانگان را بر جامعه اسلامی فراهم سازد. مردم مسلمان که مبلغان دینی را نمونه های بارز دین مداری می دانند و با

تقدس خاصی به آن‌ها می‌نگرند، با مشاهده رقابت‌های نامشروع و مجادلات کودکانه و بی‌نتیجه از آن‌ها مایوس خواهند شد. بلکه با نگاه تحقیر آمیز و موهن به ایشان نگاه خواهند کرد. از این جهت روحانیونی که در چنین مهلکه‌ای گرفتار آمده‌اند نه تنها نمی‌توانند مردم را به هسبستگی و هم‌سویی رهنمون سازند، که در عمل جامعه را به اختلاف و چند دستگی فرامی‌خوانند. از این لحاظ ناخواسته و بدون هیچ‌مزدی مقاصد نامیمون دشمنان دین را تأمین می‌کنند، و به پاس این خدمت بزرگ و کم‌مصرف در پیشگاه شیاطین زمان قدر و منزلت مناسبی خواهند داشت و در مقابل از عذاب بی‌بدیل و دردناک الهی سهم لازم را دریافت خواهند کرد.

« لا یعذب عذابه احد ولا یؤتی وثاقه احد »^{۱۲}

آری این‌ها هستند که نان دین می‌خورند ولی کار ضد دینی انجام می‌دهند! منبرها که جایگاه مقدس و سکوهای پرواز انسان از فضای محدود مادی به جغرافیای نامحدود معنویت است، در رقابت‌های منفی به پایگاه‌های شخصی و نامقدس تبدیل می‌شوند؛ فضای آکنده از معنویت مساجد و حسینیه‌ها با اختلافات ویرانگر تبدیل به فضاهای سمی خواهد شد و تفاق اختلاف‌ها، حرمان رحمت الهی و قطع نعمات او را در پی خواهد داشت و نیز ذلت و سرافکنندگی یک ملت را که ناخواسته به مهلکه اختلاف و پراکندگی دچار آمده‌اند.

« فضریت علیهم الذله و المسکنه و باؤا بغضب من الله »^{۱۳}

و بی‌گمان چنین کسانی برخلاف دستورات الهی عمل نموده‌اند.

« ولاتنازعوا فتفشلوا و تذهب ربحکم »^{۱۴}

آری، این پدیده نیز به نوبه خود آسیب به شمار می‌آید. آسیبی ویرانگر و خانمان‌سوز که وحدت و عزت مسلمان‌ها را مورد تهدید قرار می‌دهد. علاج واقعی آن جز پناه بردن به دامن اخلاق اسلامی و گردن نهادن به دستورات الهی میسر نخواهد شد. درکنار آن اجرای طرح ساماندهی تبلیغی نیز مؤثر خواهد بود، تا در صورت بروز و ظهور رقابت‌های کمرشکن نیروی عمومی کنترل اوضاع فرهنگی و اجتماعی را در دست گیرد و افراد مغرض را از اجتماع جدا کند.

پی نوشت ها:

۱- احزاب/۳۹

۲- نجم/۳-۴

۳- نحل/۱۲۵

۴- بقره/۱۴۳

۵- محمد/۴۷

۶- فردوس ۸۹۷/۲۳۴/۱ به نقل از منتخب میزان الحکمه ، محمدی ری شهری،

ج ۱، ص ۱۴۷

۷- حشر/۵۹

۸- آل عمران/۱۹۱

۹- منافقون/۶۳

۱۰- از مجموعه اشعار عرفانی فلسفی که توسط نویسنده در سال ۸۵ سروده شده است.

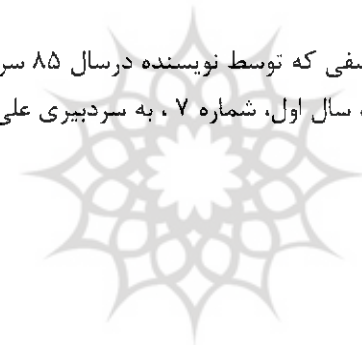
۱۱- مجله حقوق زن (ماهنامه) ، سال اول، شماره ۷ ، به سردبیری علی محقق نسب،

کابل.

۱۲- فجر/۲۶

۱۳- بقره/۶۱

۱۴- انفال/۴۵



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مفسر